



بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات لفظی قرآن

سید مجید نبوی - عظیم عظیم‌پور

چکیده

یکی از مشکلاتی که در ترجمه‌های فارسی قرآن وجود دارد این است که کلمات، عبارات و آیات یکسان، یکسان ترجمه نمی‌شود. به عبارت دیگر آیه‌ای که از لحاظ الفاظ عربی شبیه به هم هستند و در جاهای مختلف قرآن آمده‌اند، در ترجمه، یکسان ترجمه نمی‌شوند. این پژوهش در صدد است تا با بررسی ترجمه‌های کلمات و عبارات و آیات شبیه به هم قرآن و با ارائه نمونه‌هایی نشان دهد که ترجمه‌های موجود، تا چه حد به این مهم توجه داشته‌اند. بهترین راه‌حلی که برای این مشکل به نظر می‌رسد این است که باید قبل از ترجمه برای کلمات شبیه به هم، یک یا چند معادل مناسب فارسی پیدا کرد و آنها را در ترجمه و در ذیل آیه‌ای که آن کلمات مورد استفاده قرار گرفته است به کار برد. به بیان دیگر در ترجمه باید به کلمات، عبارات و آیات شبیه به هم و یکسان احاطه داشت و این‌گونه آیات را یکسان ترجمه کرد. استفاده از المعجم المفهرس و کتاب‌هایی که دربارهٔ مشابهات لفظی نوشته شده، کمک شایانی به مترجمان در بحث یکسان‌سازی می‌کند. همچنین نباید به دلیل سختی کار یکسان‌سازی از آن صرف‌نظر نمود. از مهم‌ترین نتایجی که به دست آمد این بود که در بعضی موارد کلمات و عبارات و نمادها و ویرگول و پرانتز و آکولاد تنها در ذیل یکی از دو یا چند آیهٔ مشابه ذکر شده بود و در برخی موارد دیگر تقدیرات مختلفی برای آیات مشترک ذکر شده بود و گاهی تقدیم و تأخیر یا

جابه‌جایی در ترجمه آیات یکسان دیده می‌شد و از همه مهم‌تر این که در برخی موارد آیات یکسان به دو یا چندگونه ترجمه شده بود. با بررسی‌های به عمل آمده بهترین ترجمه از جهت یکسانی در ترجمه‌های مورد بررسی ترجمه آقای رضایی اصفهانی و ضعیف‌ترین ترجمه، ترجمه الهی قمشه‌ای است.

کلید واژه‌ها: ترجمه قرآن، یکسان‌سازی، متشابهات لفظی قرآن، یکسان‌سازی ترجمه‌ها.

مقدمه

ترجمه قرآن از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده و در قرن معاصر، تعداد آنها زیاده‌تر و درون‌مایه آنها با کیفیت‌تر شده است مخصوصاً با نقدهایی که بر کیفیت ترجمه می‌شود مترجمان کاستی‌های گذشته را دیده و سعی بر دوری از لغزش‌ها می‌کنند.

قرآن کریم وحی خداست و با تمام کتب، حتی کتب آسمانی دیگر متفاوت است و الفاظ آن، تماماً وحی و از جانب خداوند حکیم است. در قرآن کریم کلمات و عبارات و آیات یکسان و شبیه به هم وجود دارد که گاهی مثل آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در یک سوره (الرحمن) چندین بار تکرار شده و گاهی نیز در یک سوره نیستند بلکه در جای جای قرآن و در چندین سوره تکرار شده‌اند. به علت این که این گونه عبارات و آیات و حتی کلمات، باهم یکسان و شبیه به هم هستند، مترجمان هم باید به رسم امانت در ترجمه، تمامی کلمات و عبارات و آیات را یکسان ترجمه کنند. به عبارت دیگر، همان گونه که وقتی یک عرب به چنین آیاتی می‌رسد، از این آیات به جهت یکسانی متن آنها، چیز یکسانی می‌بیند و معنای موافق هم و نه مخالف یکدیگر را برداشت می‌کند، مترجمان هم باید ترجمه را مانند متن قرآن به مخاطب یکسان نشان دهند. گاهی عدم یکسانی ترجمه‌ها در بعد معنایی آن است یعنی مترجم برای آیات شبیه به هم معنایی متفاوت از هم بیان می‌کند که بدترین نوع در عدم یکسانی است و گاهی عدم یکسانی، تنها از لحاظ الفاظ است. مثل آنها و آنان یا کلمات هم‌خانواده و هم معنا و ... که در ترجمه آیات یکسان و شبیه به هم استفاده می‌شود، اگرچه در این گونه موارد به اندازه مورد اول اشکال وارد نیست ولی یکسانی زمانی صحیح‌تر و دقیق‌تر است که به طور کامل انجام شود. و یکسان‌سازی کامل به این معناست که جز در موارد استثنا، نباید حتی یک حرف هم در ترجمه آیات متفاوت باشد که این کار سبب انسجام و قوت ترجمه می‌شود و بر ارزش آن می‌افزاید. عدم یکسان‌سازی، برعکس ترجمه را ضعیف و از

انسجام دور می‌کند. برای مثال الهی قمشه‌ای آیه «وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ» را که در (هود، ۳۷) و (مؤمنون، ۲۷) آمده است یکسان ترجمه نکرده است. ایشان آیه ۳۷ سوره هود را این گونه ترجمه کرده است: «و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر سخن مگوی» و آیه ۲۷ سوره مؤمنون را این گونه ترجمه کرده است: «و به شفاعت ستمکاران (حتی فرزند ناهلت) با من سخن مگو (وتقاضایی مکن) که البته آنها باید همه غرق شوند» همان گونه که مشاهده می‌شود کلمات «درباره» و «دیگر» تنها در ترجمه اول آمده و کلمات و عبارات «شفاعت» و «حتی فرزند ناهلت» و «با من» و «وتقاضایی مکن» تنها در ترجمه دوم آمده است. این دوگانگی در ترجمه، نشانگر ضعف و عدم دقت در بحث یکسان‌سازی است.

۱. تعریف مفاهیم مهم بحث یکسان‌سازی

۱-۱. یکسان‌سازی ترجمه

یکسان‌سازی، عبارت است از یکی کردن ترجمه قرآن، در آیات و عبارات و کلمات مشابه قرآن، یعنی در مواردی که آیات قرآن یکی است، ترجمه‌ها هم باید یکی باشد که این وظیفه مترجمان قرآن است.

۱-۲. ترجمه (قرآن)

برگردان متن عربی قرآن به زبانی دیگر را ترجمه می‌گویند و معنای متداول‌تر آن برگرداندن گفتار یا نوشتار از زبانی به زبان دیگر است. بر این اساس، ترجمه قرآن یعنی برگرداندن عناصر و ساختارهای متنی زبان مبدأ به معادل آنها در زبان مقصد (با توجه به عوامل و شرایط برون زبانی) به گونه‌ای که خواننده متن مقصد، همان پیام و اثری را دریابد که خواننده متن مبدأ در می‌یابد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرةالمعارف قرآن کریم، مؤسسه بوستان کتاب قم ۱۳۸۹، چاپ دوم، ج ۷، ص ۴۱۶)

۱-۳. متشابهات لفظی

مؤلفان علوم قرآنی عمدتاً دو نوع متشابه را مطرح کرده‌اند: متشابه در برابر محکم و متشابه لفظی؛ که متشابه لفظی در اینجا بر مشابهت چیزی با چیزی دلالت می‌کند؛ یعنی تشابه قسمتی از قرآن با قسمتی دیگر از آن.

در این تحقیق بیشتر از کتاب الإلتقان فی متشابهات القرآن نوشته عایشه ام‌بسام که در زمینه متشابهات لفظی است، استفاده شده است. البته کتاب‌های دیگری هم در زمینه

متشابهات لفظی وجود دارد. همچنین قسمت جست و جوی لغات قرآنی نرم افزار جامع التفاسیر برای بحث کلمات بسیار راهگشاست.

۱-۴. بحث وجوه و نظایر و ارتباط آن با یکسان سازی

به دلیل اینکه در بحث وجوه و نظایر و سیاق آیات مواردی پیدا می شود که نمی توان آنها را یکسان سازی کرد، ابتدا به تعریف وجوه و نظایر و ارتباط آن دو با بحث یکسان سازی پرداخته می شود.

۱-۴-۱. تعریف وجوه و نظایر و ارتباط آن با بحث یکسان سازی

وجوه یعنی یک لفظ مشترکی در چند معنا استفاده شود مانند لفظ «أُمَّة». و نظایر بر عکس وجوه، یعنی چند کلمه در یک معنا به کار رود. (سیوطی، ۱۴۲۱ ق ۲۰۰۱ م، ج ۱، ص ۴۴۰) در نتیجه اگر کلمه ای که دو یا چند معنا می دهد دو یا چند گونه معنا شود نمی توان بر مترجم ایراد گرفت، مانند کلمه عرش در دو آیه زیر که باید متفاوت ترجمه شود: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل، ۲۳) با «وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً» (حاقه، ۱۷) همچنین کلمه کرسی در «...وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (بقره، ۲۵۵) با «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ» (ص، ۳۴) تفاوت دارد که باید مختلف ترجمه شود. اگر مترجم آیاتی را که این گونه دارای کلماتی هستند که دو یا چند معنا می دهد مختلف ترجمه کند نمی توان بر او ایرادی گرفت، بلکه این کار مترجم نشانگر دقت در ترجمه است.

بحث یکسان سازی کلمات دایره وسیعی دارد به طوری که در هر دو کلمه یکسان و شبیه به هم که دارای معنای واحدی هستند قابل بررسی است. یعنی هر دو کلمه یکسان قرآن را یا باید یکسان ترجمه کرد و یا مثل موارد بالا دلیل قانع کننده ای برای عدم ترجمه یکسان آن داشت.

۱-۵. جایگاه سیاق در بحث یکسان سازی

سیاق در لغت به معنای اسلوب، روش، طریقه، (معین، فرهنگ فارسی، واژه سیاق) و سیاق کلام به معنای اسلوب سخن و طرز جمله بندی است (معین، فرهنگ فارسی، واژه سیاق). سیاق ساختاری کلی است که بر مجموعه ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می افکند و بر معنای آنها اثر می گذارد؛ که ممکن است همراه قراین معنایی و قراین حالیه

یا قراین لفظی متصل به کلام باشد. البته سیاق به این معنا به قرآن اختصاص ندارد و در عبارات و سخنان دیگر نیز وجود دارد؛ برای مثال، جمله «اذهب الی البحر» هنگامی که همراه جمله «و استمع حدیثه باهتمام» گفته می‌شود، دارای ویژگی و خصوصیتی است که اگر به تنهایی گفته شود، فاقد آن است. به همین دلیل، هرگاه جمله اول همراه با جمله دوم باشد، گویای آن است که «به نزد مرد دانشمند برو» و وقتی تنها باشد، معنای آن این گونه می‌شود «به سمت دریا برو». سیاق در بحث یکسان‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توجه نکردن به آن، مترجم را دچار اشتباه می‌کند. برای مثال رضایی اصفهانی آیه «ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ» (شعراء، ۶۶) و (صافات، ۸۲) را به «سپس دیگران (فرعونیان) را غرق ساختیم» و «سپس دیگران (مشرکان) را غرق کردیم» ترجمه کرده است که بدون در نظر گرفتن سیاق و در نگاه اول می‌بینیم که (فرعونیان) و (مشرکان) یکسان نیستند اما با نگاه به آیات قبل از این دو آیه متوجه می‌شویم که آیه (شعراء، ۶۶) در رابطه با حضرت موسی^(ع) و آیه (صافات، ۸۲) در رابطه با حضرت نوح^(ع) است. در نتیجه نمی‌توان بر دوگانگی (فرعونیان) و (مشرکان) اشکالی وارد کرد.

۱-۶. دایره یکسان‌سازی

در قرآن ۱۹۱۹ ریشه کلمه وجود دارد. منظور از ریشه کلمه، کلماتی است که یک ریشه واحدی دارند یعنی ریشه کلمه ذَهَبَ و مشتقات (فعلی و اسمی) آن ذهب است و ریشه کلمه عَلِمَ و مشتقات آن، علم است. از ۱۹۱۹ ریشه کلمه قرآن حدود ۱۴۵۶ ریشه آن بیش از یک عدد کلمه یا مشتق دارند و تنها ۴۶۳ کلمه، از کلمات قرآن یک بار و بدون هم‌خانواده آمده است. به غیر از این ۴۶۳ کلمه، تمامی کلمات قرآن را می‌توان مورد بررسی قرار داد. یعنی هرکلمه با مشتقات فعلی و اسمی و حرفی آن را که در قرآن آمده و دارای معنای واحدی است می‌توان با یکدیگر از جهت یکسان‌سازی بررسی کرد. با این حساب دایره یکسان‌سازی بسیار وسیع است و تنها کلماتی که یک بار در قرآن آمده است شامل این بحث نمی‌شود. لذا مترجمان باید کلمات را چه دوبار در قرآن آمده باشد و چه مثل لفظ جلاله الله که ۲۸۱۶ بار آمده و بیشترین کاربرد را در قرآن دارد همچنین رب و رسل و ... که کاربرد زیادی دارند یکسان ترجمه کنند.

۲. بررسی یکسان‌سازی در کلمات قرآن

بحث یکسان‌سازی در کلمات قرآن به چهار شکل و گونه تقسیم می‌شوند: ۱. فعل‌های مشابه، ۲. اسم‌های مشابه، ۳. حرف‌های مشابه، ۴. مشتقات یک ریشه. در هر کدام از موارد ذکر شده ابتدا آیات مورد بحث و پس از آن ترجمه‌ها می‌آید. از آنجایی که دایره آیات و کلمات بسیار گسترده است کلمات گزینشی انتخاب شده است. همچنین ممکن است در آیات انتخابی، عبارت یا آیه یکسان و شبیه به هم، نیز یافت شود اما از آنجا که بحث مربوط به کلمات می‌شود تنها به بررسی کلمه مورد نظر پرداخته می‌شود.

۱-۲. **فعل‌های مشابه:** در این قسمت فعل‌هایی که عیناً در قرآن تکرار شده بررسی می‌شود. افعال زیر به عنوان نمونه آورده می‌شود. البته تعداد آنها بیش از اینهاست.

۲-۱-۱. **فعل أُزْلِفَتْ**

فعل «أُزْلِفَتْ» در سه آیه قرآن به ترتیب زیر آمده است: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» (شعراء، ۹۰) «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» (ق، ۳۱) «وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ» (تکویر، ۱۳) کتب لغت زلف را نزدیک شدن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۶۸، ازهری، ۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م، ج ۱۳، ص ۱۴۶) و مقدم گشتن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۷۳) معنا کرده‌اند.

الهی قمشه‌ای: «نزدیک سازند» (شعراء، ۹۰) «نزدیک آرند» (ق، ۳۱) «نزدیک سازند» (تکویر، ۱۳) الهی قمشه‌ای آیه را دو گونه ترجمه کرده است و عبارت «نزدیک آرند» مجهول بودن فعل را نمی‌رساند.

مجتبوی: «نزدیک شود» (شعراء، ۹۰) «نزدیک آرند» (ق، ۳۱) «نزدیک گردانیده شود» (تکویر، ۱۳). مجتبوی سه گونه معنا کرده است و همچنین «نزدیک آرند» مجهول بودن فعل را نمی‌رساند.

مکارم: «نزدیک می‌شود» (شعراء، ۹۰) «نزدیک می‌کنند» (ق، ۳۱) «نزدیک شود» (تکویر، ۱۳). مکارم هم سه گونه ترجمه کرده است و «نزدیک می‌کنند» مجهول بودن فعل را نمی‌رساند.

فولادوند: «نزدیک می‌گردد» (شعراء، ۹۰) «نزدیک گردانند» (ق، ۳۱) «فرا پیش آرند» (تکویر، ۱۳). فولادوند هم سه گونه ترجمه کرده است که دو مورد آخر مجهول بودن را نشان نمی‌دهد.

□ ۶۱ بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات... □

آیتی: «نزدیک آرند» (شعراء، ۹۰) «نزدیک بیاورند» (ق، ۳۱) «پیش آورند» (تکویر، ۱۳). آیتی هم سه گونه ترجمه کرده است که هر سه ترجمه مجهول بودن را نشان نمی‌دهد.
مشکینی: «آورده می‌شود» (شعراء، ۹۰) «نزدیک گردانند» (ق، ۳۱) «نزدیک شود» (تکویر، ۱۳). آقای مشکینی هم سه گونه ترجمه کرده است و عبارت اول مضارع و عبارت آخر ماضی است.



رضایی اصفهانی: «نزدیک می‌شود» (شعراء، ۹۰) «نزدیک شده است» (ق، ۳۱) «نزدیک شود» (تکویر، ۱۳). رضایی هم سه گونه ترجمه کرده است. در این ترجمه هم عبارت اول مضارع و عبارت آخر ماضی است.
گرمارودی: «نزدیک می‌دارند» (شعراء، ۹۰) «نزدیک می‌آورند» (ق، ۳۱) «در چشم‌رس آورده شود» (تکویر، ۱۳). گرمارودی علاوه بر سه گونه ترجمه کردن در «چشم‌رس» را هم اضافه بر ترجمه‌های دیگر آورده است و در دو عبارت اول مجهول بودن فعل معلوم نیست.

۲-۲. اسم‌های مشابه: در این قسمت اسم‌های مشابه قرآن در ترجمه‌ها بررسی می‌شود بحث کلمات برای بررسی کلمه‌های مشابه هستند اما در اینجا به دلیل باهم بودن این کلمه، آن دو باهم بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. الْفَاسِقُونَ

در این قسمت کلمه الفاسقون بررسی شده است. به دلیل گستردگی بحث از «الفاسقین» و «فاسقون» بدون الف و لام صرف‌نظر شده است.

«... وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ» (بقره، ۹۹) «... فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل‌عمران، ۸۲) «... وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل‌عمران، ۱۱۰) «... فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائدة، ۴۷) «... إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (توبه، ۶۷) «... وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۴) «... وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵) «... فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ» (احقاف، ۳۵) «... أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر، ۱۹).

الفِسق را ترک دستور خدا (ازهری، ۱۴۲۱ ق، ۲۰۰۱ م، ج ۸، ص ۳۱۵، صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۲۹۳) و خروج از اطاعت پروردگار گفته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۵۰۲) و درباره این آیه: «فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ» (کهف، ۵۰) گفته‌شده:

خارج از اطاعت پروردگارش شد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م، ج ۸، ص ۳۱۵) برخی هم الفسق را العصیان و التبرک لأمر الله عزوجل و الخروج عن طریق الحق گفته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸، مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۰۱) و راغب می‌گوید: فسق فلان: از ممنوعیت‌ها و حرمت شرع خارج شده و به آنها عمل کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶).

الهی قمشه‌ای: «فاسقان (و اهل عناد)» (بقره، ۹۹) «فاسقان» (آل عمران، ۸۲) «فاسق و بدکارند» (آل عمران، ۱۱۰) «فاسقان» (مائده، ۴۷) «بدترین زشتکاران عالمند» (حشر، ۱۹) «فاسق و نادرستند» (نور، ۴) «فاسقان تبه‌کارند» (نور، ۵۵) «فاسق» (أحقاف، ۳۵) «بدکاران عالمند» (توبه، ۶۷).

در اینجا چندگانگی ترجمه کلمه «الفاسقون» کاملاً مشخص است. حتی از کلمات کمی متفاوتی چون «و اهل عناد»، «و بدکارند»، «تبه‌کارند» و «نادرستند» استفاده شده است. **مجتبوی:** «بدکاران نافرمان» (بقره، ۹۹) «بدکاران نافرمان» (آل عمران، ۸۲) «بدکاران نافرمانند» (آل عمران، ۱۱۰) «بدکاران نافرمان» (مائده، ۴۷) «بدکاران و بیرون‌شدگان از فرمانند» (حشر، ۱۹) «بدکاران نافرمان» (نور، ۴) «بدکاران نافرمان» (نور، ۵۵) «بدکار نافرمان» (أحقاف، ۳۵) «بدکاران نافرمان» (توبه، ۶۷).

مجتبوی بجز آیه ۱۹ حشر، که به «بدکاران» و «بیرون‌شدگان از فرمانند» ترجمه کرده، مابقی را تقریباً با یک ساختار ترجمه کرده است. البته گاهی اوقات «بدکاران» و گاهی اوقات «بدکار» و گاهی «نافرمانند» و گاهی فعل را جدا از کلمه «نافرمان» آورده است.

مکارم: «فاسقان» (بقره، ۹۹) «فاسق» (آل عمران، ۸۲) «فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)» (آل عمران، ۱۱۰) «فاسقند» (مائده، ۴۷) «فاسقاند» (حشر، ۱۹) «فاسقاند» (نور، ۴) «فاسقاند» (نور، ۵۵) «فاسق» (أحقاف، ۳۵) «فاسقاند» (توبه، ۶۷).

کلمه «فاسق» عربی است. اگر از معادل فارسی استفاده می‌شد بهتر بود. عبارت توضیحی «(و خارج از اطاعت پروردگار)» تنها در یکی از ترجمه‌ها آمده است.

فولادوند: «فاسقان» (بقره، ۹۹) «نافرمانانند» (آل عمران، ۸۲) «نافرمانند» (آل عمران، ۱۱۰) «نافرمانند» (مائده، ۴۷) «فاسقند» (حشر، ۱۹) «فاسقند» (نور، ۴) «نافرمانند» (نور، ۵۵) «نافرمان» (أحقاف، ۳۵) «نافرمانانند» (توبه، ۶۷)

فولادوند به دو گونه «فاسق» و «نافرمان» ترجمه کرده است. همچنین گاهی مفرد و گاهی جمع و گاهی فعل را به «نافرمان» وصل کرده است.

□ ۶۳ بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات...

آیتی: «فاسقان» (بقره، ۹۹) «فاسقان» (آل عمران، ۸۲) «تبهکارانند» (آل عمران، ۱۱۰) «نافرمانان» (مائده، ۴۷) «نافرمانانند» (حشر، ۱۹) «فاسقند» (نور، ۴) «نافرمانند» (نور، ۵۵) «نافرمانان» (أحقاف، ۳۵) «نافرمانند» (توبه، ۶۷)



«نافرمان» و «فاسقان» و «تبهکارانند» سه گونه ترجمه شده همچنین کلمه «اند» گاهی به فعل وصل و گاهی حذف شده است.

مشکینی: «فاسقان» (بقره، ۹۹) «نافرمانند» (آل عمران، ۸۲) «نافرمانند» (آل عمران، ۱۱۰) «فاسقند» (مائده، ۴۷) «نافرمانانند» (حشر، ۱۹) «فاسقند» (نور، ۴) «نافرمانند» (نور، ۵۵) «فاسقان» (أحقاف، ۳۵) «نافرمانها» (توبه، ۶۷) دو گونه بودن «فاسق» و «نافرمان» و جمع و مفرد بودن و وصل و حذف «اند» از جمله مشکلات این ترجمه است.

رضایی اصفهانی: «نافرمانبرداران» (بقره، ۹۹) «نافرمانبردارند» (آل عمران، ۸۲) «نافرمانبردارند» (آل عمران، ۱۱۰) «نافرمانبردارند» (مائده، ۴۷) «نافرمانبردارند» (حشر، ۱۹) «نافرمانبردارند» (نور، ۴) «نافرمانبردارند» (نور، ۵۵) «نافرمانبردار» (أحقاف، ۳۵) «نافرمانبردارند» (توبه، ۶۷) کاملاً یکسان ترجمه شده است.

گرمارودی: «نافرمانان» (بقره، ۹۹) «نافرمانند» (آل عمران، ۸۲) «نافرمانند» (آل عمران، ۱۱۰) «نافرمانند» (مائده، ۴۷) «نافرمانند» (حشر، ۱۹) «نافرمانند» (نور، ۴) «نافرمانند» (نور، ۵۵) «بزهکاران» (أحقاف، ۳۵) «نافرمانند» (توبه، ۶۷)

بجز (أحقاف، ۳۵) که به «بزهکاران» ترجمه شده، مابقی از جهت یکسانی خوب ترجمه شده است.

۲-۳. حرف‌های مشابه

۲-۳-۱. حرف اول مین

حروف دارای معانی زیادی هستند که کتابهایی از جمله مغنی‌اللیب ابن‌هشام به معرفی معانی آنها پرداخته‌اند. اگر یک حرف از حروف قرآن که در دو یا چند جای قرآن تکرار شده است معانی مختلفی داشته باشند از لحاظ یکسان‌سازی نمی‌شود آنها را مورد بررسی

قرار داد اما حروف مشابه و یکسانی که یک معنا دارند از جهت یکسان‌سازی قابل بررسی است. برای نمونه حرف «مِن» اگر معنایی مطابق با «مِنْ» در جای دیگر قرآن داشت در این صورت می‌شود این دو حرف را از جهت یکسانی ترجمه مورد بررسی قرار داد.

«...وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا...» (انبیاء، ۴۷) «يَبْنِيْ اِنَّهَا اِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيْ صَخْرَةٍ اَوْ...» (لقمان، ۱۶).

درباره آیه دوم در کتاب اعراب القرآن درویش آمده: **فقال يا بني إنها إن تك مثقال حبة من جنس الخردل** (درویش، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۵۴۳) که نشانگر این است که این «مِن» جنس است.

الهی قمشه‌ای، مجتوبی، آیت الله مکارم، فولادوند، آیتی، مشکینی، گرمارودی معادلی برای «مِن» نیاورده‌اند اما رضایی اصفهانی برای هر دو آیه کلمه «از» آورده است.

۲-۳-۲. حرف دوم مِنْ زائده

در قرآن «مِنْ زائده» آمده است (منظور از «مِن زائده» مین‌ای است که برای تأکید می‌آید، نه اینکه زائد و اضافی است) که در اینجا به سه نمونه اشاره می‌شود.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (نساء، ۶۴)، «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ...» (ابراهیم، ۴)، «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» (حجر، ۱۱).

تنها اشکال این بحث مربوط به ترجمه الهی قمشه‌ای است که در (نساء، ۶۴) معادلی برای «مِن زائده» نیاورده است. بقیه مترجمانی که ترجمه آنها بررسی می‌شود ترجمه قابل قبولی ارائه داده‌اند.

۲-۴. مشتقات یک ریشه: توضیح ریشه کلمه در قسمت دایره یکسان‌سازی گذشت.

۲-۴-۱. زَحَرَ

مشتقات «زحزح» به دو شکل اسم فاعل «مَزْحَزِحِهِ» و فعل ماضی مجهول «زَحَزِحَ» آمده. چون این دو کلمه از یک ریشه است، مترجم هم باید از یک نوع یا ریشه در ترجمه فارسی استفاده کند.

«وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (بقره، ۹۶) «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْعُرُورِ» (آل عمران، ۱۸۵).

□ ۶۵ بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات...

زحزح و تزحزح به معنای کنار شدن و کنار کردن است (قرشی، ج ۳، ص ۱۵۸) طریحی درباره این آیه «فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ» (آل عمران، ۱۸۵) می‌گوید: «ای نجی و بعد عنها» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۶)

الهی قمشه‌ای: «نرھاند» (بقره، ۹۶) «دور دارند» (آل عمران، ۱۸۵) این دو آیه یکسان ترجمه نشده است.

مجتبوی: «دورکننده او» (بقره، ۹۶) «دور داشته... شود» (آل عمران، ۱۸۵) از جهت یکسانی خوب ترجمه شده است.

مکارم: «بازنخواهد داشت» (بقره، ۹۶) «دور شده» (آل عمران، ۱۸۵) ایشان از جهت یکسانی ترجمه‌ای خوب ارائه نداده و از یک ریشه در ترجمه استفاده نکرده‌اند.

فولادوند: «دور نتواند داشت» (بقره، ۹۶) «دور دارند» (آل عمران، ۱۸۵) قسمت اول این فعل‌ها یکی است اما قسمت دوم یکی نیست.

آیتی: «دور نخواهد ساخت» (بقره، ۹۶) «دور سازند» (آل عمران، ۱۸۵) ایشان هم مانند فولادوند، یک قسمت را خوب ترجمه کرده ولی از جهت یکسانی بهتر از ترجمه فولادوند است چون ساخت و ساز آنها تقریباً یکی است.

مشکینی: «دورکننده او» (بقره، ۹۶) «دور دارند» (آل عمران، ۱۸۵) از جهت یکسانی خوب است.

رضایی اصفهانی: «نجات نخواهد داد» (بقره، ۹۶) «بتدریج دور شده» (آل عمران، ۱۸۵) یکسان ترجمه نشده است.

گرمارودی: «دور نمی‌کند» (بقره، ۹۶) «دور کنند» (آل عمران، ۱۸۵) از جهت یکسانی خوب ترجمه شده است.

۳. بررسی یکسان‌سازی در عبارات قرآن

عبارت‌های قرآنی مورد بحث بیش از یک کلمه و کمتر از یک آیه است. برای مثال «لَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» که حدوداً ۱۱ بار در قرآن آمده جزئی از یک آیه است؛ یعنی عبارت قرآنی بالا نه یک کلمه یکسان و شبیه به هم دارد بلکه دارای چندین کلمه یکسان و شبیه به هم است و نه یک آیه کامل یا آیات با اختلاف لفظی اندک است.

۱-۳. عبارت اول

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَزُكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ لَيْلٍ ضَلُّوا مُبِينًا﴾ (آل عمران، ۱۶۴).
 ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ لَيْلٍ ضَلُّوا مُبِينًا﴾ (جمعه، ۲).

الهی قمشه‌ای: عبارت ﴿إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ (مِنْهُمْ)﴾ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾ به «...که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می‌کند» (آل عمران، ۱۶۴) و «اوست خدایی که میان عرب اُمّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند» (جمعه، ۲) معنا شده است.

عبارت «رَسُولًا» به «رسولی» و «پیغمبری بزرگوار» ترجمه شده که در عربی «رسول» با «نبی» تفاوت دارد که برخی تفاسیر به آن اشاره کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۶، ص ۳۴۱، سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۳۹۷، موسوی همدانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۵۵۳، فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳، ص ۲۳۶، زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۶۴، طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۱۴۴) لفظ معادل «پیغمبر»، «نبی» است نه «رسول»! همچنین «رسول» عربی است که باید به واژه‌ای شبیه به فرستاده ترجمه شود ﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾ به «که بر آنها آیات او را تلاوت می‌کند» و «که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند» ترجمه شده که «آیات او» معادل مناسب‌تری نسبت به «آیات وحی خدا» است چون «هاء» در «آیات» ضمیر است.

همچنین عبارت ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ به «و آنان را پاک می‌گرداند و به آنها علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می‌آموزد» و «و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد» معنا شده است.

عبارت «از لوث جهل و اخلاق زشت» تنها در یک ترجمه آمده که یا باید حذف گردد و یا به ترجمه آیات دیگر هم اضافه شود. و عبارت «شریعت و احکام» معادل عربی در آیه ندارد.

□ ۶۷ بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات...

و عبارت «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» به «و همانا پیش از آن در گمراهی آشکار بودند» و «و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند» معنا شده است.

«ورطه جهالت» در یکی از ترجمه‌ها آمده که یا باید حذف و یا به ترجمه‌های دیگر هم اضافه شود.

مجتبوی: عبارت «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» به «و پاکشان می‌سازد و کتاب و حکمتشان می‌آموزد» (آل‌عمران، ۱۶۴) و «و پاکشان می‌سازد - از آلودگی کفر و اخلاق زشت - و کتاب - قرآن - و حکمت - اندیشه و گفتار و کردار درست - به آنان می‌آموزد» (جمعه، ۲) معنا شده است.

در این ترجمه عبارات توضیحی «- اندیشه و گفتار و کردار درست -» و «- قرآن -» و «- از آلودگی کفر و اخلاق زشت» تنها در یکی از ترجمه‌ها آمده که حاکی از عدم یکسانی دو آیه است.

مکارم: کلمه «رَسُولًا» به «پیامبری» (آل‌عمران، ۱۶۴) و «رسولی» (جمعه، ۲) ترجمه شده است که در بالا به عدم یکسانی آن اشاره شد و عبارت «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» به «و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد» و «و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد» معنا شده است. کلمه «تزکیه» عربی و کلمه «پاک» فارسی است در نتیجه باید هر دو فارسی شوند و کلمه «(قرآن)» داخل پرانتز تنها در یکی از دو ترجمه آمده است.

فولادوند: «رَسُولًا» به «پیامبری» (آل‌عمران، ۱۶۴) و «فرستاده‌ای» (جمعه، ۲) ترجمه شده است. اشکال آن در بالا گفته شد.

آیتی: عبارت «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» به «هر چند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.» (آل‌عمران، ۱۶۴) و «اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند» (جمعه، ۲) ترجمه شده است.

«إِنْ» در آیه دو گونه «هر چند» و «اگر چه» ترجمه شده که هر دو نادرست است، چون در این گونه موارد «إِنْ» برای تأکید است و برای وصل نیست.

مشکینی: عبارت «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» (آل‌عمران، ۱۶۴) «... بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» (جمعه، ۲) به «آن گاه که در میان آنها فرستاده‌ای از خودشان (نه از فرشته و نه

از جن) برانگیخت» (آل عمران، ۱۶۴) و «فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت» (جمعه، ۲) معنا شده است.

عبارت «(نه از فرشته و نه از جن)» در یکی از ترجمه‌ها آمده که یا باید حذف و یا به ترجمه دیگر هم اضافه باید گردد. همچنین عبارت «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» به «و پاکشان می‌گرداند و کتاب (آسمانی) و احکام شریعت و معارف عقلی به آنها می‌آموزد» و «و آنها را (از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آنها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد» معنا شده است.

عبارت «(از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی)» تنها در یک ترجمه آمده که یا باید حذف گردد و یا به ترجمه دیگر هم اضافه شود و «احکام شریعت» معادل عربی در آیه ندارد و نیاز به یکسانی دارد.

گرمارودی: «رَسُولًا» به «فرستاده‌ای» (آل عمران، ۱۶۴)؛ «پیامبری» (جمعه، ۲)، ترجمه شده، که توضیح آن در بالا گذشت.

۴. بررسی یکسان‌سازی در آیات با اختلاف لفظی اندک و آیات کامل

در این بخش به بررسی یکسانی و عدم یکسانی آیاتی پرداخته می‌شود که یا (دو یا چند آیه) از لحاظ اندازه آیه کامل هستند و یا اختلاف ناچیزی از لحاظ الفاظ با یکدیگر دارند که در ذیل هر بخش، توضیح داده می‌شوند.

۴-۱. بررسی یکسان‌سازی در آیات با اختلاف لفظی اندک

منظور از آیات با اختلاف لفظی اندک آیاتی است که تفاوت کمی با یکدیگر دارند (یک یا دو یا سه کلمه) و به نوعی از لحاظ اشتراکات لفظی شبیه به آیات کامل می‌باشند. و اشتراک لفظی این آیات بیش از عبارات یکسان است.

۴-۱-۱. آیه اول با اختلاف لفظی اندک

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۲۲) و (قصص، ۱۴) با این توضیح که در سوره قصص بعد از أَشُدَّهُ عبارت «وَأَسْتَوَى» آمده و آیه اول درباره حضرت یوسف^(ع) و دومی درباره حضرت موسی^(ع) است.

علامه طباطبایی درباره «بَلَغَ أَشُدَّهُ» می‌گوید: «بلوغ اشد» به معنای سنینی از عمر انسان است که در آن سنین، قوای بدنی رفته رفته بیشتر می‌شود و به تدریج آثار کودکی زایل

می‌گردد، و این از سال هیجدهم تا سن کهولت و پیری است که در آن موقع دیگر عقل آدمی پخته و کامل است. و ظاهراً منظور از آن رسیدن به ابتدای سن جوانی است، نه اواسط و یا اواخر آن که از حدود چهل سالگی به بعد است، به دلیل آیه‌ای که دربارهٔ موسی^(ع) فرموده «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص، ۱۴) زیرا در این آیه کلمه «استوی» را آورد تا برساند موسی به حد وسط اشد رسیده بود که ما او را مبعوث کردیم. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۸).

الهی قمشه‌ای: «و چون یوسف به سن رشد و کمال رسید او را مقام حکمت و نبوت (مسند حکم‌فرمایی) و مقام دانش عطا کردیم و این چنین ما نیکوکاران عالم را پاداش می‌بخشیم.» (یوسف، ۲۲) «و چون موسی به سن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت ما به او حکم نبوت و مقام علم عطا کردیم و چنین پاداشی به مردم نیکوکار می‌دهیم.» (قصص، ۱۴).

عبارت «به سن رشد و کمال» با «به سن عقل و رشد» متفاوت است همچنین «مقام حکمت و نبوت (مسند حکم‌فرمایی) و مقام دانش» با «حکم نبوت و مقام علم» متفاوت است و کلمه «عالم» تنها در یک ترجمه آمده که معادل عربی در آیه ندارد.

مجتبوی: عبارت «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (یوسف، ۲۲) به «و چون بالید و به نیروی جوانی خود رسید او را حکم - نبوت یا حکمت - و دانش دادیم» و «و چون به نیرومندی خود رسید و جوانی توانمند شد او را حکمی - حکمت: درستی اندیشه و گفتار و کردار، یا نبوت - و دانشی دادیم» (قصص، ۱۴) معنا شده است.

کلمه «بالید» تنها در ترجمه آیه اول آمده در توضیح «حکم» دو عبارت «- نبوت یا حکمت -» و «حکمت: درستی اندیشه و گفتار و کردار، یا نبوت -» آمده همچنین نکره بودن «حکم» و «علم» تنها در ترجمه دوم رعایت شده است.

مکارم: عبارت «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» به «و هنگامی که به بلوغ و قوت رسید، ما «حکم» [نبوت] و «علم» به او دادیم و اینچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!» (یوسف، ۲۲) و «و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم و این گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم!» (قصص، ۱۴) معنا شده است.

«أَشُدَّهُ» به «بلوغ و قوت» و «نیرومند» ترجمه شده که با هم تفاوت دارد «حُكْمًا وَعِلْمًا» به «حکم [نبوت] علم» و «حکمت و دانش» معنا شده که در آیه اول «حکم» مقید به «نبوت» شده و «علم» و «دانش» همخوان نیستند. همچنین «نجزی» به «جزا می‌دهیم» و «پاداش می‌دهیم» معنا شده که «جزا» عربی است.

آیتی: عبارت «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» به «و چون بالیدن یافت، حکمت و دانشش ارزانی داشتیم» (یوسف، ۲۲) و «چون به حد بلوغ رسید و برومند شد، او را فرزاندگی و دانش دادیم» (قصص، ۱۴) معنا شده است.

عبارت «بالیدن یافت» و «به حد بلوغ رسید» باهم یکسان نیستند و «حکمت» و «فرزاندگی» نیز باهم تفاوت دارند و «ءَاتَيْنَاهُ» به «دادیم» و «ارزانی داشتیم» معنا شده که با هم یکسان نیستند.

مشکینی: عبارت «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» به «و چون به حد بلوغ و کمال نیروی بدنی و فکری رسید او را قدرت داوری، معارف عقلی، علوم شرایع (گذشته، شریعت نوح و ابراهیم) دادیم» (یوسف، ۲۲) و «و چون به کمال قوای جسمی و استقامت نیروی عقلی رسید (که در حدود چهل سالگی است) ما به او حکمت (و علوم عقلی) و علم (به شرایع گذشته را) دادیم» (قصص، ۱۴) معنا شده است.

«بَلَغَ أَشُدَّهُ» به دو گونه «به حد بلوغ و کمال نیروی بدنی و فکری» و «کمال قوای جسمی» آمده و عبارت توضیحی «که در حدود چهل سالگی است» تنها در یک ترجمه آمده و «حُكْمًا» به «قدرت داوری»، «معارف عقلی و حکمت (و علوم عقلی)» معنا شده و «علم» به «علوم شرایع (گذشته، شریعت نوح و ابراهیم)» و «علم (به شرایع گذشته را)» معنا شده که بهتر است عبارات یکسان شوند.

رضایی اصفهانی: عبارت «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» به «و هنگامی که به حد رشدش رسید، حُکْم و علم به او دادیم» (یوسف، ۲۲) و «و هنگامی که (موسی) به حد رشدش رسید، و (در کمال و نیرومندی) استقرار یافت، حکم (و حکمت) و دانش به او دادیم.» (قصص، ۱۴) معنا شده است. عبارت توضیحی «(و حکمت)» تنها در یک ترجمه آمده و «عِلْمًا» به «علم» و «دانش» معنا شده که باهم یکی نیستند.

گرمارودی: از جهت یکسانی خوب ترجمه کرده است.

۴-۲. بررسی یکسان‌سازی در آیات کامل قرآن

در این قسمت آیات کامل بررسی می‌شود. منظور از آیات کامل، آیاتی هستند که در دو یا چند آیه کاملاً باهم یکسانند و حتی در یک حرف هم باهم تفاوت ندارند که گاهی در یک سوره و گاهی در سوره‌های مختلف هستند.

۴-۲-۱. آیه اول

﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ (طور، ۴۰) و (قلم، ۴۶).

مغرم را دین و وام گفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۳۶) همچنین به غرامت هم معنا شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۱۴).

الهی قمشه‌ای: «آیا تو (ای رسول) از آنها اجر رسالت خواهی که زیر بار سنگین غرامت بمانند؟» (طور، ۴۰) «آیا تو از کافران امت مزد رسالت خواهی که بار غرامتش بر آنها گران است؟» (قلم، ۴۶).

«(ای رسول) تنها در یک ترجمه آمده است. ضمیر «هَم» به «از آنها» و «از کافران امت» ترجمه شده که همخوان با یکدیگر نیستند و عبارت «زیر بار سنگین غرامت بمانند؟» با «که بار غرامتش بر آنها گران است؟» یکسان نیست.

آقای مجتبی‌وی این دو آیه را از جهت یکسان‌سازی خوب ترجمه کرده است.

مکارم: ﴿فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ «که در زیر بار گران آن قرار دارند؟!» (طور، ۴۰) و «که پرداختش برای آن‌ها سنگین است؟!» (قلم، ۴۶).

«در زیر بار گران آن قرار دارند» با «پرداختش برای آنها سنگین است» تفاوت دارد باید یکسان شوند.

فولادوند: ﴿فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ «و آنان از [تعهد ادای] تاوان گرانبارند؟» (طور، ۴۰)

و «و آنان خود را زیر بار تاوان، گرانبار می‌یابند؟» (قلم، ۴۶).

﴿فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ به دو گونه «انان از [تعهد ادای] تاوان گرانبارند» و «انان خود را زیر بار تاوان، گرانبار می‌یابند» ترجمه شده که عبارت «[تعهد ادای]» تنها در یک ترجمه آمده که باید اصلاح می‌شد.

آیتی: ﴿فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ «و پرداخت غرامت بر آنها دشوار است؟» (طور، ۴۰) و «و اکنون از ادای آن در رنجند؟» (قلم، ۴۶).

«ادای آن در رنجند» با «پرداخت غرامت بر آنها دشوار است» یکسان نیستند.

رضایی اصفهانی این دو آیه را خوب ترجمه کرده است.

۴-۲-۲. آیه دوم

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْلَفَ فِيهِ وَاُولَآئِكَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لُقُضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي

شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾ (هود، ۱۱۰) و (فصلت، ۴۵).

الهی قمشه‌ای: «و محققاً ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم، آن گاه در آن اختلاف کردند، و اگر کلمه سابقه الهی و مشیت ازلی خدا (بر تأخیر عذاب خلق تا قیامت) نبود همانا میان آنها حکم (به عذاب) می‌شد. و این مردم از این گونه وعده و وعیدها همیشه بدگمان و در شکند و بر خود ریب و شبهه می‌کنند.» (هود، ۱۱۰) «و ما به موسی کتاب (تورات) را دادیم پس در آن راه مخالفت و اختلاف پیش گرفتند و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نیافته بود (که تعجیل در عذاب نکند) همانا میان آن امت حکم عذاب می‌رسید، و هر چند که آنها سخت در نزول آن (عذاب) در شک و ربیند (که تو را در وعده عذاب قیامت هم تکذیب می‌کنند)» (فصلت، ۴۵).

ترجمه الهی قمشه‌ای مشکلات زیادی دارد به طوری که مقایسه دو ترجمه از آیات یکسان و مشابه کار بسیار سختی است.

تأکید «لَقَدْ» فقط در یک آیه منعکس شده «تورات» در یک آیه داخل پراکنش و در دیگری خارج از آن است و عبارت‌های توضیحی «بر تأخیر عذاب خلق تا قیامت» و «به عذاب» و «رحمت» و «لطف» و «که تعجیل در عذاب نکند» و «عذاب» و «که تو را در وعده عذاب قیامت هم تکذیب می‌کنند» تنها در یکی از دو ترجمه‌ها آمده است.

مجتبوی: «وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ» «و اگر از پروردگار تو سخنی [به تأخیر عذاب] از پیش نرفته بود، هر آینه میانشان داوری شده بود، و همانا آنان درباره آن سخت در شک‌اند.» (هود، ۱۱۰) «و اگر نبود سخنی از پروردگارت که از پیش رفته است هر آینه میانشان [به عذاب] حکم می‌شد، و همانا آنان - کفار قوم تو - درباره آن - قرآن یا آنچه یاد کردیم - به شک و تردید اندرند.» (فصلت، ۴۵).

عبارت‌های توضیحی «[به تأخیر عذاب]» و «[به عذاب]» و «-کفار قوم تو-» و «قرآن یا آنچه یاد کردیم» فقط در یک آیه آمده، و حکم می‌شد و داوری شده بود باهم یکی نیست.

مکارم: «وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ» «و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می‌شد! و آنها (هنوز) در شک‌اند، شکی آمیخته به بدگمانی!» (هود، ۱۱۰) «و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود (که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجت شود)، در میان آنها داوری می‌شد (و به کیفر می‌رسیدند) ولی آنها هنوز درباره آن شکی تهمت‌انگیز دارند!» (فصلت، ۴۵).

عبارت «که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجّت شود» و «در زمینه آزمایش و اتمام حجّت بر آنها» باهم مطابق نیست و کلمه «هنوز» در یکی از ترجمه‌ها داخل پراتنز آمده و در دیگری خارج از پراتنز و «و به کیفر می‌رسیدند» تنها در یک ترجمه آمده و عبارت «وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٌ» به دو گونه «ولی آنها هنوز درباره آن شکّی تهمت‌انگیز دارند!» و «و آنها (هنوز) در شک‌اند، شکّی آمیخته به بدگمانی!» که باهم خیلی تفاوت دارند.

فولادوند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ» «و به حقیقت، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد» (هود، ۱۱۰) «و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم، پس در آن اختلاف واقع شد» (فصلت، ۴۵).

«لَقَدْ» به دو گونه «به حقیقت» و «به راستی» معنا شده و مصداق «کتاب» در یک آیه [آسمانی] آمده و در آیه دیگر «تورات» آمده است.

«وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٌ» «و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود، قطعاً میان آنها داوری شده بود، و بی‌گمان، آنان درباره آن در شکّی بهتان آمیزند» «و اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان درباره آن به شکّی سخت دچارند».

«و عده‌ای پیشی نگرفته بود» با «فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود» دو ترجمه مختلف است و عبارت «وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٌ» به «و بی‌گمان، آنان درباره آن در شکّی بهتان‌آمیزند» و «و در حقیقت آنان درباره آن به شکّی سخت دچارند» ترجمه شده که با هم خیلی تفاوت دارند.

آیتی: «وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٌ» «اگر نه حکمی بود که از پیش از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود که ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند» (هود، ۱۱۰) و «و اگر نبود آن سخنی که پروردگارت از پیش گفته بود، میانشان کار به پایان می‌آمد. و البته هنوز به سختی در تردیدند» (فصلت، ۴۵).

«کَلِمَةٌ» به «حکمی» و «سخنی» معنا شده و عبارت «لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ» به «میانشان داوری شده بود» و «میانشان کار به پایان می‌آمد» ترجمه شده که کاملاً با یکدیگر متفاوت‌اند و در ترجمه آیه اول تردید مقید به «کتاب» است ولی در آیه دوم این‌گونه نیست.



مشکینی: ﴿فَأَخْتَلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ﴾
 «پس در آن (در اصل پذیرش آن از امت او و در
 محتوای آن از عالمان امتش) اختلاف افتاد و اگر نبود
 سخنی که از پروردگارت (در ازل) گذشته (که طاغیان را
 برای اتمام حجّت تا وقت مقرر مهلت دهد)» (هود،
 ۱۱۰) «پس در (میان قومش در پذیرش) آن اختلاف
 افتاد، و اگر نبود سخنی که از پروردگارت گذشته (از
 علم ازلی در لوح محفوظ نگاشته شده که هر امتی را،
 مهلتی است)» (فصلت، ۴۵).

عبارت‌های توضیحی «در اصل پذیرش آن از امت او و در محتوای آن از عالمان
 امتش» و «میان قومش در پذیرش» و «در ازل» و «که طاغیان را برای اتمام حجّت تا وقت
 مقرر مهلت دهد» و «از علم ازلی در لوح محفوظ نگاشته شده که هر امتی را، مهلتی
 است» با یکدیگر یکسان نیستند.

مترجمانی که توضیح بیشتری از ترجمه ارائه می‌دهند باید آیات مشابه را در نظر
 بگیرند و توضیحات را در تمامی آیات مشابه بیاورند تا شاهد این‌گونه دو یا چندگانگی
 ترجمه‌های آیات مشابه نباشیم.

﴿لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾ «حتماً میان آنها داوری (و کار آنها یکسره)
 می‌شد، و همانا آنها (یهودان معاصر تو) از این (قرآن) در شکی تردیدزا و ابهام‌آورند»
 (هود، ۱۱۰) «حتماً میان آنها (به محض انکار، به عذاب دسته‌جمعی) داوری می‌شد، و حقّاً
 که آنان (در آن روز) درباره تورات در شکی تردیدزا و ابهام‌آور بودند، و اینان نیز (امروز)
 درباره قرآن در شکی تردیدزا و ابهام‌آورند» (فصلت، ۴۵).

این توضیحات «و کار آنها یکسره» و «به محض انکار، به عذاب دسته‌جمعی» با هم
 یکسان نیستند معنای این دو قسمت خیلی باهم متفاوت است چون «شک و تردید» را در
 آیه اول درباره «قرآن» می‌داند و در آیه دوم درباره «تورات در گذشته و قرآن در زمان
 پیامبر» که خیلی باهم متفاوت‌اند.

گرمارودی این دو آیه را یکسان ترجمه کرده است.

۵. نتیجه

معمولاً مترجمان به بحث یکسان‌سازی ترجمه‌ها نپرداخته‌اند به چند دلیل: اولاً در گذشته یکسان‌سازی مطرح نبوده، ثانیاً یکسان‌سازی ترجمه (در کلمات و عبارات و آیات) نیازمند زمان زیادی است که مترجمان از این کار به دلیل سختی و مشقت آن، و زمان‌بر بودن آن صرف‌نظر می‌کنند.

با بررسی‌های به عمل آمده بهترین و قوی‌ترین ترجمه از جهت یکسانی، ترجمه رضایی اصفهانی و ضعیف‌ترین ترجمه، ترجمه الهی قمشه‌ای است.

۵-۱. لغزشگاه‌های مترجمان در بحث یکسان‌سازی

۵-۱-۱. حذف و اضافه

مترجمان گاهی کلمات و عبارات و نمادها و ویرگول و پرانتز و آکولاد را حذف یا اضافه می‌کنند یعنی در ترجمه برخی آیات مشابه، موارد ذکرشده را می‌آورند و در ترجمه همان آیات مشابه، آنها را نمی‌آورند. برای مثال در آیات «... وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴) مترجمی تنها در یک ترجمه عبارت «از لوث جهل و اخلاق زشت» و «ورطه جهالت» را می‌آورد و در ترجمه آیه دیگر اثری از این عبارات دیده نمی‌شود. البته این موارد مختص کلمات و عبارات نمی‌شود بلکه گاهی نمادها و ویرگول‌ها و آکولاد و مانند آن در یک ترجمه دیده می‌شود در حالی که در آیه مشابه آن اثری از آن نیست.

۵-۱-۲. تقدیرات

در برخی موارد مترجمان در آیات و عبارات یکسان تقدیرات مختلفی در نظر می‌گیرند. برای مثال در آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ...» (بقره، ۳۰) و (حجر، ۲۸) الهی قمشه‌ای در یک آیه «أذكر» و در آیه دیگر «أذكروا» را در تقدیر گرفته است؛ و یا در «... لَنْ تُعْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا...» (آل عمران، ۱۰) و (آل عمران، ۱۱۶) و (مجادله، ۱۷) مترجمی عذاب و (عذاب قهر) را در تقدیر گرفته و مترجمی دیگر (عذاب)، داخل پرانتز و عذاب، خارج از پرانتز و مجازات را در تقدیر گرفته است. یا مترجمی دیگر [از عذاب خدا] و در برابر خداوند را در تقدیر گرفته و مترجمی دیگر عذاب خدا و در برابر خشم خدا را در تقدیر گرفته که همه این موارد نشان از عدم دقت در آیات یکسان و در نتیجه تقدیرات مختلف مترجمان است.

۵-۱-۳. تقدیم و تأخیر یا جابه‌جایی

یکی دیگر از لغزش‌های مترجمان در این بحث تقدیم و تأخیر یا جابه‌جایی مکانی است؛ یعنی مترجمان جای کلمات و عبارات را در ترجمه آیات یکسان تغییر می‌دهند. این کار ترجمه را از استحکام خارج می‌کند. برای مثال آیه «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ...» در (أنعام، ۹۲) و (أنعام، ۱۵۵) آمده است که مترجمی آن را به «و این (قرآن) کتابی است که ما فرستادیم با خیر و برکت بسیار...» (أنعام، ۹۲) و «و این (قرآن) کتابی است که ما با برکت و خیر بسیار فرستادیم...» (أنعام، ۱۵۵) معنا کرده است. همان طور که مشخص است جابه‌جایی مکانی در کلمه فرستادیم رخ داده است.

۵-۱-۴. دوگانگی یا چندگانگی

یکی دیگر از لغزش‌های مترجمان در این بحث، دو گانگی یا چند گانگی در کلمات و آیات مشابه است. به عبارت دیگر مترجمان برای ترجمه موارد مشابه از کلمات و عبارات مختلف استفاده می‌کنند که این اختلاف‌ها گاهی معنایی و لفظی است و گاهی تنها لفظی است و نه معنایی، که در مورد دوم می‌توان گفت که مترجم از کلمات هم‌خانواده و هم‌معنا استفاده می‌کند. مثال برای این بحث آیه «وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» است که در (حاقة، ۳۴) و (ماعون، ۳) آمده است؛ مترجمی آن را «و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود به رغبت نخوانده است» (حاقة، ۳۴) و «(کسی را) بر اطعام فقیر ترغیب نمی‌کند.» (ماعون، ۳) معنا کرده است. «يَحْضُ» در کتاب‌های لغت به معنای «ترغیب و تشویق» است که در آیه اول این معنا دیده نمی‌شود و این باعث شده است که ترجمه دوگونه شود. همچنین «الْمَسْكِينِ» به «مسکینی» و «فقیر» ترجمه شده است در حالی که مسکین با فقیر متفاوت است، در مسکین نیازمندی بیشتر از فقیر است.

۶. پیشنهاد به مترجمان قرآن

مترجمان قرآن باید قبل از ترجمه چیزی شبیه به المعجم المفهرس ریشه‌ای داشته باشند و برای کلمات یکسان و شبیه به هم، یک معادل مناسب فارسی پیدا کنند. مثلاً برای لفظ جلاله «الله» که ۲۸۱۶ بار آمده و همچنین رب و رسل و انبیاء و... تا جایی که ممکن است و موانعی چون وجوه و نظایر و سیاق در آنها وجود نداشت یک معادل انتخاب کنند؛ و از این معادل‌های فارسی در ترجمه خویش ذیل آیات مورد نظر استفاده نمایند. در نتیجه

□ ۷۷ بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات...

تمامی کلماتی که بیش از یک بار در قرآن آمده تا لفظ جلاله «الله» که بیشتر از همه در قرآن آمده همه و همه یک معادل مناسب داشته باشند.

۷. پیشنهاد به محققان و منتقدان ترجمه

از آنجا که دایره یکسان‌سازی در کلمات و عبارات (مخصوصاً کلمات) بسیار گسترده است و تنها ۴۶۳ کلمه، یک بار در قرآن استعمال شده که مربوط به بحث یکسان‌سازی نمی‌شود و تقریباً همه کلمات که بیش از یک بار تکرار شده‌اند و همچنین پس از کلمات دایره عبارات هم بسیار گسترده است، در نتیجه اگر محققى بخواهد تحقیقى در این زمینه انجام دهد بهتر است بیشتر کلمات و عبارات یکسان و شبیه به هم قرآن را در ترجمه‌ها بررسی کند. همچنین بررسی یکسان‌سازی در ترجمه هر کدام از مترجمان هم می‌تواند عنوان تحقیقى باشد.

□

منابع

قرآن کریم

۱. آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷۴ ش، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، بی تا، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.
۵. ام بسام، عایشه، ۱۴۲۳ ق، ۲۰۰۳ م، الإلتقان فی متشابهات القرآن، بی جا، مکتبة اولاد الشيخ، چاپ اول.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، بی تا، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۷. درویش، محیی الدین، ۱۴۱۵ ق، اعراب القرآن و بیانه، سوریه، دارالارشاد.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، بیروت، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، چاپ اول.
۹. رضایی اصفهانی و همکاران، محمدعلی، ۱۳۸۳ ش، ترجمه قرآن، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگ دارالذکر، چاپ اول.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۸۶، مقدمة الأدب، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۱. الهی قمشه ای، مهدی، ۱۳۸۰ ش، ترجمه قرآن، قم، انتشارات فاطمة الزهراء، چاپ دوم.
۱۲. محمود زمخشری، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۰۶ ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۱۴. سیوطی جلال الدین، ۱۴۲۱ ق، الإلتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناشر انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع‌البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۷. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح‌الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب‌العین، قم، نشرهجرت، چاپ دوم.
۱۹. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب‌الاسلامیة، چاپ ششم.
۲۰. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، تفسیرأحسن‌الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم.
۲۱. فیروزآبادی، بی‌تا محمد بن یعقوب، القاموس‌المحیط، بیروت، دارالکتب‌العلمیة، چاپ اول.
۲۲. مجتبوی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۱ ش، ترجمه قرآن، انتشارات حکمت، تهران، چاپ اول، (ویراستار حسین استاد ولی).
۲۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، تاج‌العروس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۲۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۲۵. مشکینی، علی، ۱۳۸۱ ش، ترجمه قرآن، قم، الهادی، چاپ دوم.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، دارالکتب‌العلمیة، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت، قاهره، لندن، چاپ سوم.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش، ترجمه قرآن، دارالقرآن‌الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، چاپ دوم.
۲۸. موسوی گرمارودی، سید علی، ۱۳۸۴، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات قدیانی، چاپ دوم.
۲۹. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.